

## بَلَبْشوی ویرایش\*

در میان بنیادهای نشر در ایران، هیچ رکنی به اندازه ویرایش / ویراستاری وضعیتی نگران کننده ندارد؛ زیرا پس از پدید آوردن، هیچ رکنی به قدر ویرایش با ساختار، بافتار و درونمایه کتاب، و نیز زبان مادری ما، که وسیله ارتباطی ماست، پیوند نزدیک ندارد. نگرانی، در اصل از نادانی، ناتوانی و سبک مایگی و سهل انگاری ای ناشی شده که به عرصه تولید فرهنگی ما رسوخ کرده است. علت چیست و چه باید کرد؟

ویرایش پدیده نوظهوری نیست. از زمانی که نظری، دیدگاهی، رایی، تجربه ای میان اثر پدید آورنده و ذهن خواننده حایل شد و به پدید آورنده یاری رساند تا پیام او درست تر، دقیق تر و عاری از دشواریهای دیگر موجود بر سر راه تفهیم و تفهم / تفاهم، به ذهن خواننده راه یابد، پدیده ویرایش هم ظهور کرد. کسانی که نوشته هایشان را پیش از نشر به رؤیت با تجربگان می رسانیدند، نظر و عملی را جویا بودند که اکنون آن را در مقوله ویرایش جای می دهیم. نظارت‌های گوناگونی که از حیث اطمینان از حصول دقت، صحت و امانت در مراکز علمی، کانونهای فرهنگی، در مراکزی چون کتابخانه اسکندریه، بیت الحکمه، برخی

\* به نقل از مجله جهان کتاب، شماره ۱۱۳-۱۱۴ (سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸)، آذرماه ۱۳۷۹، تهران، ص ۲-۵.  
«تهذیب»، «تنقیح»، «ویرایش» یا «ویراستاری» کتابهای فارسی، که در سالهای اخیر در ایران و خارج از ایران، ملعبه دست این و آن قرار گرفته است، ما را بر آن داشت که این مقاله را که با دقت تمام به رشته تحریر درآمده است و از نابه سامانی ویرایش در ایران حکایت می کند در این شماره از نظر خوانندگان بگذرانیم.

صومعه‌های ویژه‌ی تحریر آثار در سده‌های میانه، نخستین آکادمیها و انواع دارالطباعه‌ها پس از پیدایش و رواج چاپ صورت می‌گرفت، به نوعی ویرایش بود. واژه‌هایی مانند تهذیب، تنقیح اصلاح، یا جرح و تعدیل در فرهنگ و ادب ما، به عملی گفته می‌شود که در دایره‌ی معنایی ویرایش قرار می‌گیرد. ویرایش سابقه و سنتی کهن در تاریخ بشر و در تاریخ ما دارد، اما ایجاد حرفه‌ی مستقل به نام ویرایش و حرفه‌ی مندی به نام ویرایشگر / ویراستار (= Editor یا Book editor) پدیده‌ی است که پس از تبدیل شدن نشر کتاب به صنعت و اقتصادی مستقل، صنعت و اقتصادی که محصولی به نام کتاب، یا در معنای وسیعتر هر گونه اثر چاپی مانند کتاب، مجله، روزنامه و نشریه‌های خواندنی تولید می‌کند و از راه این تولید، اقتصاد مستقلی را می‌گرداند، ظهور کرده و به نسبت میزان وسعت و رونق و رواج آن، توسعه یافته است. در کشورهایی که انقلاب صنعتی را از سر گذرانده‌اند، از قرن نوزدهم حرفه‌ی مستقل ویراستاری در آنها رواج داشته است. و بر اساس اسنادی که ایرج افشار، از میان مجموعه‌ی اوراق و اسناد حاج امین الضرب که نزد خانواده‌ی مهدوی نگاهداری می‌شود، تحت عنوان «نخستین شرکت ملی طبع کتاب» [در ایران] در مهدوی نامه (تهران: هرمس، ۱۳۷۸، ص ۵۵-۱۰۳) منتشر کرده است، محمد علی فروغی در اولین مؤسسه‌ی انتشاراتی، که چند سال پیش از انقلاب مشروطیت فعالیت خود را آغاز کرده، به «تنقیح مطالب» (ویراستاری امروزی) اشتغال داشته است (همان، ص ۷۳) و در واقع می‌توان گفت که تا این تاریخ و بر اساس اطلاعاتی که تا کنون داریم، او نخستین ویراستار به معنای جدید کلمه در ایران بوده است. اگر این نتیجه‌ی گیری درست باشد، ویرایش / ویرایشگری / ویراستاری در ایران به معنای جدید کلمه، بیش از یک قرن سابقه و سنت دارد. البته تاریخ ویرایش کتابهای ترجمه شده در ایران از دهه‌ی ۱۳۳۰، پس از تاسیس مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین و اشتغال رسمی تنی چند به «ادیتوری» (= ویراستاری) تا حدودی روشتر است، تنی چند (که عمرشان دراز باد) از نخستین ویراستاران ترجمه در ایران هستند که از حوالی نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۳۰ به ویراستاری متون ترجمه شده و مقابله‌ی ترجمه‌ها با متن انگلیسی پرداختند. اینان اگر دانسته‌های خود را در این باره بگویند یا منتشر کنند، به بخشی از تاریخ ویراستاری در ایران پرتو روشنی افکنده‌اند.

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمار ویراستاران در ایران بسیار محدود بود و چند مؤسسه‌ی انتشاراتی که به طور غیر خصوصی اداره می‌شدند و می‌توانستند برای پرورش ویراستار از طریق تجربه‌ی عملی و از خلال کار صبر کنند و به انتظار بمانند، و تعداد اندکشماری مؤسسه‌ی انتشارات خصوصی، که توانسته بودند به فعالیت‌هایشان وسعتی بدهند، نیروی مورد نیاز خود

را برای کارهای ویرایشی تربیت می‌کردند، اما در نظام آموزشی کشور، برنامه‌ای برای پرورش ویراستار نبود، همچنان که هنوز هم نیست. با این وصف، شمار ویراستاران با وضعیت نشر در آن دوره‌ها شاید تا حدودی تناسب داشت و این تناسب پس از پیامدهای اخیر در نشر و در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ از دست رفت که به علت‌های آن اشاره می‌کنیم، اما پیش از آن خوب است که قدری به خود ویرایش و انواع آن بپردازیم تا به روش‌تر شدن منظور در بحث حاضر کمک کند.

ویرایش در معنای گسترده کلمه، گذشته از ویرایش منابع تالیفی و ترجمه‌ای، شامل این موارد هم می‌شود: تصحیح منابع و متون، گرد آوری و تدوین، تحشیه و مقدمه نویسی، کوشش و اهتمام در چاپ منابع با اعمال دقت‌های خاص و نظر علمی در مراحل آن و افزودن واحدهای پیش از متن و پس از متن، سردبیری نشریات، دبیری بخش‌های مختلف نشریات، نظارت و سرپرستی علمی-فنی بر کتاب‌های مرجع و منابع درسی، نظارت و سرپرستی بر سلسله‌ها و مجموعه‌های کتاب، معماری و مهندسی کتاب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کتاب و مذاکره با پدید آورندگان و خدمات‌مشورتی به آنها در جریان پدید آوردن، بررسی و ارزشیابی آثار و تهیه یادداشتهای لازم درباره آنها به گونه‌ای که به تغییر و اصلاح آنها منجر شود. بازنگاری، بازآرایی، دگر آراییی و دگر نویسی آثار، آماده ساختن متن برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی و سایر برنامه‌های نمایشی همراه با تغییرات و دستورات عملی لازم، تبدیل کردن متن‌ها برای کاربردهای مختلف و نظایر اینها. و اگر روزی این بحث به صورت روشمند و نظام یافته در سطح دانشگاهی و عالی تدریس شود، به این مباحث و تقسیم بندی‌هایی نظیر آن توجه دقیق‌تری خواهد شد.

ویرایش به چند نوع اصلی تقسیم می‌شود، برای مثال و به اختصار: ویرایش ساختاری / بافتاری که نظام موضوعی اثر، سلسله مراتب موضوعی، رابطه کل و اجزاء، رابطه اجزا با یکدیگر و نظیر اینها را مد نظر قرار می‌دهد. ویرایش محتوایی / مضمونی / مفهومی که توجه آن معطوف به این است که آیا محتوای کتاب از عهده ادای مفاهیم بر آمده است یا نه. ویرایش استنادی / استشهادی که اثر تالیفی را با منابع مورد استفاده می‌سنجد و صحت و دقت اقوال و استنباطها و استنتاجها را با مراجعه به اصل آنها بررسی می‌کند. ویرایش ادبی / زبانی / بیانی / زبانی-بیانی / نگارشی گفتاری / نوشتاری که با ساختار، محتوا و سایر جنبه‌های اثر کاری ندارد و تاکید آن بر این است که زبان اثر بر قواعد دستوری منطبق باشد، تخلفی از هنجارهای زبانی صورت نگرفته باشد، یا زبان اثر با موضوع،

مخاطب و کاربردهای خاص اثر متناسب باشد. ویرایش صوری که در اصل، اثر را با شیوه مقبول ناشر مطابقت می دهد و جنبه های مربوط به ظاهر و صورت اثر را بر پایه آن تنظیم می کند؛ به این نوع ویرایش به غلط و بر اثر رواج نسبی کاربرد اصطلاحی نابه جا و اصرار عده ای که خواسته اند خود را ویراستار و کار تخصصی یا شبه تخصصی شان را ویرایش بنامند «ویرایش فنی» هم گفته اند. ویرایش فنی در معنای درست کلمه، مانند ویرایش پزشکی، ویرایش مهندسی، ویرایش اقتصادی، به ویرایش متون فنی اطلاق می شود. ویرایش موضوعی / حوزه ای، که ویراستار در موضوع و حوزه اثر متخصص است و آن را از حیث صحت و دقت علمی بررسی می کند. در کتابهای درسی و منابع مرجع و راهنما و دستور العملها، ویرایش موضوعی بیشتر کاربرد دارد. ویرایش ترجمه / مقابله، که ویراستار مسلط به زبان مبدأ و زبان مقصد و موضوع اثر ترجمه شده را با متن اصلی آن، و به قصد حصول اطمینان از صحت، و دقت و امانت ترجمه، مطابقت می دهد. ممکن است ویراستار ترجمه / مقابله گر حتی ویرایش ادبی و صوری هم نکند و فقط به صحت، دقت و امانت ترجمه پردازد. ویرایش جامع / فراگیر که ممکن است جامع همه آنها یا ترکیبی از این انواع باشد و معمولاً از عهده سر ویراستاران، ویراستاران ارشد یا بسیار کارکشته و زباندان و متخصص بر می آید. باز آرایشی / دگر آرایشی که محتوای اثر پذیرفته می شود، اما آرایش موضوعی و ترتیب مطالب تغییر می کند، بازنگاری / باز نویسی که محتوای اثر پذیرفته می شود، اما زبان و بیان پذیرفته نمی شود و با توجه به مخاطب و کاربرد اثر به گونه دیگری نوشته می شود. در قلمرو ویرایش ساختاری، محتوایی و موضوعی قرار می گیرد و ممکن است به دست ویراستار این قلمروها یا زیر نظر او انجام بگیرد. نویسندگان نامرئی معمولاً به ویراستاران با تجربه ای گفته می شود که قلم خود را در اختیار دیگران می گذارند و نام خود را پنهان نگاه می دارند؛ برای مثال قلم خود را در خدمت کسانی قرار می دهند که توانایی نویسندگی یا توانایی نوشتن و درست نویسی و زیبا نویسی ندارند، یا گفته های شفاهی آنها را به کتابت در می آورند. محصول کار اینان در همین قلمرو باز آرایشی، دگر آرایشی و بازنگاری قرار می گیرد.

اینها انواع عمده ویرایش است و هر ویراستاری که بخواهد در هر یک از انواع کار کند، باید به مجموعه ای از دانشها و مهارتهای مربوط مسلط باشد. این دانشها، مهارتها و چنین تسلطی چگونه به دست می آید؟ در جامعه ما چگونه به دست می آید؟ حدود این انواع را چگونه می توان تعریف و حفظ کرد و مراعات نمود؟ پاسخ به این پرسشها و پرسشهای دیگر نظیر آنها به روشتر شدن علتها و بلیشوی ویرایش کمک می کند.

ویرایش اکنون با وضعیت تازه و تحولاتی نو در سطح جهانی رو به روست. انقلاب در اطلاعات و ارتباطات، رواج شیوه‌های کار با اطلاعات در نظام‌های رایانه‌ای، تغییرات گسترده‌ای نیز در زمینه ویرایش به بار آورده است. برای مثال، نرم افزارهایی که همه اعمال مکانیکی ویرایش را با دقت و سرعتی به مراتب بیشتر انجام می‌دهند، روش‌های جدید در گردآوری، جابه‌جایی و کاربرد اطلاعات، شیوه‌های جدید ارتباطی و بسیاری تحولات دیگر، ساختار مؤسسه‌های انتشاراتی را عملاً دگرگون ساخته است، تا بدان حد که دستگاه‌های عریض و طویل بسیاری از مؤسسه‌های انتشاراتی به چند اتاق کوچک محدود شده است. ونیروهایی که قبلاً در یک محل جغرافیایی و در یک یا چند ساختمان بزرگ متمرکز می‌شدند، اکنون می‌توانند پرشمارتر و متنوع‌تر، اما در گوشه و کنار کشور، منطقه، یا حتی در سطح جهان پراکنده باشند، زیرا که شیوه‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید نیاز به حضور در یک محل را برطرف ساخته است. خوب، این تغییر و تحولات را مگر می‌توان نادیده گرفت؟ دیر یا زود ناگزیریم در رسیدگی به مسائل ویرایش به آنها توجه کنیم، ضمن این که پرداختن به این نکات بار دیگر جنبه‌هایی را که سالها نادیده گرفته ایم و از آنها به غفلت یا به تغافل گذشته ایم، و این بار با تاکید بیشتری، و حتی با ملاحظه عامل شتابناک زمان یا فوریت بیشتری، در کانون توجه قرار می‌دهد.

غفلت از آموزش ویراستاری و تربیت ویراستار در مراکز آموزشی، و اصولاً غفلت از آموزش دانش، فن، هنر و مهارت نشر، که تقصیر آن هم متوجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آموزشی کشور است و هم متوجه مدیران متنفذ مؤسسات نشر دولتی و ناشران بزرگ، از عمده‌ترین علت‌های نابه‌سامانی کنونی در وضعیت ویرایش است. نظام آکادمیک، پس از گذشت چند سال، ذهنیت مشترک و اصول، روش‌شناسی، اصطلاح‌شناسی و رویه‌های علمی مشترک ایجاد می‌کند. از حرفه یا فعالیت، تعریفی مشخص به دست می‌دهد، به ایجاد و تشکل صنف کمک می‌کند، آموزشگر و پژوهشگر به بار می‌آورد، میان حوزه و سایر حوزه‌های معرفتی، علمی و عملی پیوند برقرار می‌سازد، و به گردش اطلاعات و روزآمدی و حتی غنای آن، می‌افزاید. فقدان نظام آکادمیک، آن هم برای حوزه و فعالیتی که به طیف گسترده‌ای از مفاهیم نظری و روشها و مهارت‌های عملی نیازمند است، پیامدش بلبشویی است که با یکی از مصادیق آن روبه‌رو هستیم؛ پیامدش همین تشتت و تفرقه در ویرایش است، پیامدش همین ملوک الطوائفی و ظهور شمار معتنا بهی مجتهد سرخود در تصرف در نوشته‌های دیگران، متصرفان بی‌پروای بی‌اطلاع و انواع متخلفان دیگری است که بحث آسیب‌شناختی در خصوص آنها و آسیب‌های ناشی از اعمال آنها می‌تواند برای

حوزه سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی کشور عبرت آموز باشد. پیش از آن که به ادامه این بحث پردازیم، بد نیست به موارد زیر، که اطلاع از کیفیت احوال و اعمال آنها مبتنی بر اطلاع مستقیم و دست اول است، توجه کنید.

#### مورد ۱ - جناب عالی چگونه ویراستار شدید؟

ماجرا این طور شروع شد که پس از فراغت از تحصیل دنبال کار می گشتم. دوستی مرا به ناشری معرفی کرد و او خواست که کتابی را برایش ویرایش کنم. من از ویرایش چیزی نمی دانستم و ناشر جزوه مرکز ... را به من داد و گفت این را بخوان و بر اساس آن، این کتاب را ویرایش کن. من هم خواندم و نکات را به ذهن سپردم و به سراغ کتاب رفتم و هر کلمه ای که با مفاد جزوه مغایرت داشت، خط زدم و صورت درست آن را بالایش نوشتم. کتاب را به ناشر دادم و او پسندید و کتاب دوم و سوم و چندم را به من داد و پس از مدتی شدم ویراستار. بعد از مدتی شنیدم که بخش انتشارات سازمان ... ویراستار می خواهد. رفتم و سوابق کارم را ارائه دادم و آنها هم پسندیدند و با عنوان کارشناس نشر استخدام شدم و پس از سه سال کار به سمت مدیر بخش و سر ویراستاری ارتقا پیدا کردم (کجاست سند باد بحری که ببیند باد بخت چگونه در عالم ویرایش آسان می وزد).

مورد ۲ - به دلایلی نتوانستم با مدیرم کار کنم و مرا به بخش ویرایش فرستادند. از ویرایش هیچ چیز نمی دانستم. علاقه ای هم نداشتم و فقط می خواستم کار کنم. مرا سپردند به کسی و گفتند به او کار یاد بده. او هم متنی را به من داد و تعدادی علامت کشید و گفت این برای جدا کردن، این برای وصل کردن، این برای نزدیک کردن و این برای دور کردن، و چند علامت دیگر. چند صفحه هم دستورالعمل گذاشت جلوام و گفت ویرایش کن و نتیجه کار را به من نشان بده. مدتی با خودم سر و کله زدم و بالاخره کارهایی که گفته بود کردم و تحویل دادم. پس از چند کتاب، در این کار تبخیری یافتم و با عنوان «ویرایشگر» در آن بخش ماندم و فعلاً به ویراستاری مشغولم (لطفاً در اسرع وقت با مدیرتان اختلاف نظر پیدا کنید).

مورد ۳ - بنده سی سال در دبیرستانها ادبیات فارسی درس می دادم. باز نشسته که شدم دنبال کار می گشتم و یکی از بستگانم مرا به ناشری معرفی کرد و شدم ویراستار و فعلاً کتابهای ترجمه را ویرایش می کنم.

- زبان خارجی می دانید؟

- خیر نمی دانم.

- ترجمه را با متن اصلی مقابله می کنید؟  
 - خیر. فقط ترجمه را می خوانم و هر جا به نظرم غلط بیاید، عوض می کنم و درستش را می نویسم.

- بدون مراجعه به متن؟

- متن پیش مترجم است، در اختیار ناشر نیست؛ اگر هم باشد ما که نمی توانیم استفاده کنیم (خداوند همه را عاقبت به خیر کند اما نه به قیمت بلبشوی ویرایش، در ضمن یادتان باشد نوع جدیدی بازنشسته به وجود آمده که به آن بازنشسته شاعل تمام وقت می گویند).

مورد ۴ - سر کار چگونه مدیر بخش ویرایش شدید؟

استادم در دانشگاه شد رئیس مرکز... برای کار به او مراجعه کردم. گفت چون زبان و اطلاعات خوب است برو بخش ویرایش. مدتی در آن بخش کار کردم و به جزئیات امور وارد شدم و بعد شدم مدیر بخش.

- دوره و آموزشی در ویرایش دیده اید؟

- خیر، ندیده ام.

- استاد و مدرسی داشته اید؟

- خیر، نداشته ام.

- الان ویراستار جدید تربیت می کنید؟

- من نه، افراد زیر دستم تربیت می کنند (روش نوینی در مدیریت: آق معلم و بچه ها؛ روش معروف و نوظهور دیگر: «سلطان و حرمسرا»): در بعضی متون «خلیفه و حرمسرا» هم آمده است).

مورد ۵ - بعد از مدت های مدید دوییدن، بالاخره کار پاره وقتی در یکی از روزنامه ها برایم پیدا شد. کوه مطلب می ریختند روی میزم و می گفتند برای چاپ آماده کن. شنیدم غازی هم می دادند. پس از مدتی چند کار هم از ناشران مختلف گرفتم و ویرایش کردم.  
 - چه می کردید؟

- رسم الخط کتابها را یکنواخت می کردم و بعضی کلمات را هم تغییر می دادم.

- چه طور آمدید سراغ این کار؟

- مترصد یافتن کار مناسبی بودم تا مطلع شدم این جا ویراستار می خواهند. مراجعه کردم و چون در میان داوطلبان من سابقه «روزنامه نگاری و ویراستاری و همکاری با ناشران» (کذا عین هوفی الاصل) داشتم، مرا به عنوان کارشناسی که «تجربه مفید» دارد، استخدام کردند.

- نزد چه کسی ویرایش آموخته اید؟

- پیش خودم (تبدیل ساده سوابق و رسیدن به مقام ویراستاری با اصلاحات رسم الخط؛ روشی نو در تبدیلات).

مورد ۶- چه طور شد که اسم شما را به عنوان ویراستار روی این کتاب گذاشتند؟  
یکی از دوستانم در دانشگاه گفت که پدرم می خواهد کتابهایش را چاپ کند و به کمک نیاز دارد. من هم روی علاقه و ارادت، به او کمک کردم. چرکنویسها را پاکنویس کردم، برای کتاب فهرست درست کردم، اعلام آخر کتاب را در آوردم، و در کتابهای بعدی بعضی از جمله ها و عبارتها را تغییر دادم که با استقبال و تشویق ایشان مواجه شدم. در کتاب اخیر، و با موافقت ناشر، اسم مرا به عنوان ویراستار چاپ کردند (دستیاری تا ویراستاری یک پله فاصله دارد. بشارت به جویندگان نام و نان...).

مورد ۷- مادرش از من خواهش کرد که ترجمه او را با متن اصلی مقابله کنم. چند صفحه ای را مقابله کردم و دیدم غلط و اشتباه خیلی دارد و جمله های بسیاری را درست نفهمیده است. قرار شد کتاب را از سر تا ته مقابله و اصلاح کنم و حق ترجمه بین او و من متساویاً تقسیم شود و نام او به عنوان مترجم و نام من به عنوان ویراستار بیاید. بعد از آن افتادم در این خط و فعلاً اوقاتم با این کار پر است. (ویراستاران جهان راه رسیدن به مساوات، دوستی با مادران است).

موارد نظیر اینها بسیار است. از مصاحبه هایی که برای انتخاب ویراستار از میان داوطلبان انجام گرفته است، نکته های فراوانی می توان نقل کرد که مجموع آنها از علتها و ریشه های آسیب شناختی ویرایش تصویر دقیق تری به دست می دهد. طبعاً در این جا مجال پرداختن به این نکات نیست و فقط به چند مورد از موارد نوعی اشاره کردیم که هم اکنون نیز رایج و همچنان در گسترش است. ممکن است این پرسش به میان آید که در وضعیتی که نظام آموزشی برای پرورش ویراستار نبوده است، نخستین ویراستاران و ویراستار به نام چگونه تربیت و ویراستار شدند؟

از اوایل دهه ۱۳۶۰ که نشر کتاب رونقی گرفت، به ویژه از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵، به این دلایل نیاز به ویرایش احساس شد. اما در اوضاع و احوالی که تخصص واقعی موجود نباشد، ممکن است تخصص نسبی یا شبه تخصص جای آن را و البته برای مدتی، بگیرد. دلایل اجمالاً اینهاست:

- محدودیتهای گذشته که بر اثر انقلاب از سر راه انتشار کتاب برداشته شد،



به گسترش نشر کمک کرد.

- شماری مؤسسه علمی، پژوهشی و فرهنگی جدید به وجود آمد که انتشار کتاب یا نشریه در شمار فعالیت‌های آنها یا از لوازم کار آنها بود.

- ازدیاد و تکثیر ناشران به رقابت میان ناشران در بازار کتاب دامن زد و ناشران ناگزیر شدند به جنبه‌های مختلف تولید کالای فرهنگی خود، از جمله به ویرایش بیشتر توجه کنند.

- شمار دانش آموزان و دانشجویان به سرعت افزایش یافت و در انتشار کتابهای درسی و کمک درسی به حضور و همکاری ویراستار نیاز بیشتری حس شد.

- در همان دهه شماری سمت‌ها و شغل‌های خود را از دست دادند و از میان اینها عده‌ای هم به ویرایش و سایر مشاغل مربوط به کتاب و نشر روی آوردند.

- جمعی از فارغ التحصیلان رشته زبان و ادبیات که بر اثر بحرانهای اشتغال بیکار مانده بودند، به ویرایش روی آوردند.

- تعدادی از ناشران جدید که با دانش و تجربیات بیشتری به سراغ نشر آمدند، به ویرایش و تاثیر آن در ارتقا و بهبود کیفیت کتاب توجه نشان دادند.

- انتشار مطالبی چند در اهمیت ویرایش، به ویژه در نشریات معتبر، به ترویج و توسعه آگاهی عمومی در این خصوص کمک کرد و توقع برخی از خوانندگان را از کتاب بالا برد و در تقاضای آنها در بازار کتاب تاثیر نهاد.

- پیشرفت فن آوری در عرصه‌های مختلف نشر طبعاً بر رکن ویرایش هم تاثیر گذاشت.

- رقابت میان روزنامه‌ها و مجلات با کتاب در دوره‌های آزادی نسبی مطبوعات سبب شد که برای ارتقای کیفیت کتاب، و از جمله ویرایش آن، تلاش شود.

- افت محسوسی که در زبان رسانه‌های همگانی رخ داد، حساسیت عده کثیری را به زبان مادری شان برانگیخت و نتیجه در ویرایش ادبی برخی منابع و در آثار شماری از ناشران تاثیر نهاد.

- انتشار چند اثر مرجع مهم، از جمله دانشنامه‌ها و فرهنگها، ضرورت همکاری ویراستاران کارآزموده را در حوزه‌های مختلف ویرایش آشکار ساخت.  
و بالاخره انتشار شمار بسیاری روزنامه و مجله به همکاری ویراستاران نیاز داشت.

این عملها روی هم رفته سبب شد که گروه کثیری به عرصه ویرایش کشیده شوند،

کسانی که زمینه های تحصیلی و تجربی مختلفی داشتند اما هیچ گونه نظام مستقر یا شناخته شده ای نبود که میان آنها وحدت رویه و عمل یا قرابت ذهنی ایجاد کند. در دهه ۱۳۷۰ که شمار عناوین افزایش یافت، به ویراستاران دیگر و بیشتری نیاز افتاد و مشکلات و نابه سامانیها پی که از پیش موجود بود، بیش از گذشته شدت گرفت. این مشکلات همچنان باقی ست و اگر منحنی افزایش عناوین کتاب همچنان سیر صعودی طی کند و در عین حال تدبیری برای سر و سامان دادن به وضعیت کنونی اندیشیده نشود، قطعاً بلبشویی که گریبان ویرایش را گرفته است، شدت بیشتری خواهد یافت.

نفس همین عمل که ناشران به خود حق بدهند نام هر کسی را به عنوان ویراستار در کتاب چاپ کنند، بدون توجه به این که مرجعی دارای صلاحیت، اطلاق چنین عنوانی را برای کسی که به زعم آنها ویراستار است تایید می کند یا نه، یا این که واحدهای دولتی و وابسته به دولت، کارگزینیها یا بخش خصوصی به خود اجازه دهند کسی را که مدعی ویراستاری ست، یا کسی را که آنان گمان می کنند می تواند ویراستاری کند، به استخدام در آورند، سبب اصلی وضعیت ناگوار دیگری ست که نشر ما را با مشکلات خود روبه رو کرده است.

نبودن استاندارد ها و توافقیهای ملی و عمومی در زمینه نشر، مثلاً اختلاف سبک و روش در املائی کلمات، در نشانه گذاریها، در کوتاه نوشتها و سرنامها، در نامهای فشرده، در داده های کتاب شناختی، در ترجمه نام و عنوان سازمانها، که مزید بر اختلاف سبک و روش در نگارش و ترجمه است، زمینه را برای تشتت و تفرقه بیشتر فراهم می آورد. کافی ست به منابع مهم مرجع در زبان فارسی، مانند دانشنامه ها، فرهنگها، درسنامه ها، راهنماها و نظایر آنها توجه کنیم تا معلوم شود که هر منبع مرجعی، هر مؤسسه انتشاراتی و فرهنگی عمده ای، هر نهاد آموزشی صاحب داعیه ای، حتی در جنبه های صوری و ظاهری آثار، از روشی غیر از روش دیگران پیروی می کند. میل به تنوع بی جهت و بی منطق، این حق را ایجاد می کند که هر کسی از پسند خود پیروی کند. به روزنامه های انگلیسی زبانی که در ایران منتشر می شود مراجعه کنید و ببینید نام فی المثل گروهها و دسته های سیاسی را به چند صورت از فارسی به انگلیسی ترجمه می کنند، یا به روزنامه های فارسی مراجعه کنید و ببینید نام گروهها و دسته های سیاسی غیر ایرانی را به چند صورت از زبانهای دیگر به فارسی ترجمه می کنند. همین تشتت و تفرقه را در کتابهای مرجع حوزه های مختلف با شدت بیشتری می توان یافت. چه شدتی از این بالاتر که در کشوری چند دانشنامه

(دایره المعارف) عمده منتشر شود و این منابع، که محل رجوع برای رفع مشکلات مردم و پاسخگویی به پرسشها هستند، در جنبه های صوری با هم اختلاف داشته باشند؛ اختلافات محتوایی به کنار.

چه علت‌هایی سبب می شود که توانیم مانند سایر کشورهایی که مسیر توسعه را در همه زمینه ها سپری کرده اند و در صورتها به وحدت روش نزدیک شده اند و اختلاف نظرها را به محتوا معطوف کرده اند، به اصول و روشهای یکسان ساز و وحدت بخشی روی بیاوریم تا به ویرایش نظم و قاعده بدهد و از اتلاف وقت، نیرو و سرمایه جلوگیری کند؟ توجه به همین علتها شاید به ما کمک کند به برطرف کردن مشکلاتی موفق شویم که بر سر راه نشر ما قرار گرفته است. نشر خلاق و زایا زمانی به شکوفایی می رسد که عاملهای مولدش موجود و در اختیارش باشد و از هر حیث با قانون و قاعده روبه روشود، چه قوانین و قواعد عمومی در جامعه و چه قانونها و قاعده های داخلی خود. ویرایش به عنوان یکی از بنیاد های اصلی نشر از این وضع مستثنا نیست. ویراستاران واقعی در جوامعی که صنعت نشر آنها جدی و پر رونق است، چالش را از عرصه صورت و ظاهر اثر به مفهوم و محتوا کشانیده اند و از این روست که ویراستاران ساختار، بافتار، محتوا، موضوع یا حتی ویراستاران تصویر و اشکال بصری، که نوع دیگری از برخورد با محتواست، نقش دیگری می یابند و پرورش آنها با تاکید نظام آموزشی نشر روبه رومی شود. حال آن که در جوامع توسعه نیافته، نوعی از ویرایش به ویرایش ادبی و صوری محدود می ماند.

در باره نخستین ویراستاران موفق که در اوایل مقاله به آنها اشاره کردیم، کسانی که در واقع نزد خود و به اهتمام و یا دانش خود ویراستار شدند، چند نکته در خور یادآوری است. در مؤسسه انتشارات فرانکلین کسانی به ویراستاری گمارده شدند که در ترجمه و در نویسندگی چیره دست بودند و با اصول و روشهای ویرایش آشنا برای مثال، کسانی چون فتح الله مجتبابی، نجف دریا بندری، عباس زریاب خویی، احمد سمیعی، کریم امامی، محمود بهزاد، حمید عنایت، مهشید امیر شاهی، میرشمس الدین ادیب سلطانی و نظایر آنها مسؤولیت ویرایش کتابهای آن مؤسسه را عهده دار بودند. در انتشارات دانشگاه تهران، کسانی چون پروین گنابادی، محبوبی اردکانی، روحی ارباب و امثالهم به ویرایش ادبی اشتغال داشتند. در انتشارات امیر کبیر کسانی چون مهدی آذر یزدی به ویراستاری ادبی می پرداختند. در نشریاتی مانند کتاب / کیهان هفته، کسانی نظیر احمد شاملو و م. به آذین، در کانون پرورش فکری کودکان، م. آزاد و سیروس طاهباز و در انتشارات نیل، ابوالحسن نجفی ویراستاری می کردند. اینان با دانش، اطلاعات و تجربه گسترده ای در

ترجمه و نگارش به ویراستاری روی آوردند، فنون ویرایش را آموختند و زمینه‌های ایجاد و تحکیم سنت ویرایش را فراهم ساختند. اگر حتی شمار بسیار اندکی از کسانی که در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ به ویراستاری روی آوردند، توانایی ویراستارانی را داشتند که از آنها نام بردیم، یقیناً تحولی عظیم در عرصه نشر و ویرایش رخ داده بود. با این وصف، بر این نکته باید تاکید کرد که از میان انواع ویرایش که نام بردیم، ویرایش ادبی در ایران بیش از سایر انواع شناخته شده و در زمینه آن دانش، تجربه و مهارت پدید آمده است. پس از ویرایش ادبی، ویرایش صوری در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. اما اصول، موازین و روشهای سایر انواع ویرایش نه در حد لازم تدریس و آموخته شده است و نه تاکنون اثر مکتوب و مدونی درباره آنها انتشار یافته است. این کاستی، مادام که ضرورتی به تدوین و تنظیم مطالب برای آموزش منظم نباشد، احتمالاً همچنان باقی خواهد بود.

چه باید کرد؟ در وضعیتی که ویرایش به عنوان یکی از ارکان اصلی نشر، درست شناخته و تعریف نشده است، حدود و ثغور آن معلوم نیست. جایگاه ویراستار و منزلت شغلی او مجهول است، تعرفه ای برای حقوق و دستمزد او تنظیم و تصویب نشده است. هر واحدی به خود حق می‌دهد با ویرایش و ویراستاری و اثر ویرایشی به میل و سلیقه خود رفتار کند، انجمن صنفی و تشکیلاتی مدافع حقوق ویراستاران و صیانت از حدود ویرایش فعالیت ندارد. ویراستاران واقعی همچنان در سایه و در وضعیت بلا تکلیف و نامشخص سر می‌کنند، نام آنان، شغل آنان و ارزش کار آنان پنهان است، نظام، قاعده و ضابطه ای برای جدا کردن وارد و ناوارد، ذی صلاحیت و فاقد صلاحیت و اصولاً درست و نادرست در قلمرو ویرایش نیست، اصول، آداب، قواعد، استانداردها تنظیم و تصویب نشده است، نرم افزارهای یگانه ساز و روشهای رایانه ای یکسان ساز در همه زمینه‌های ویرایش فراهم نیامده است، شرح وظایف شغلی و مسؤولیتها درست تعریف نشده است و نظام دولتی تکلیف خود را با این بلبشو روشن نکرده است، صنعت نشر نحیف و کم‌رنگ ما از این جنبه هم آسیب خواهد دید و گستره فرهنگی ما از مزیت‌های ویرایش سودی که لازم است نخواهد برد. سرو سامان دادن به ویرایش به اتخاذ تدابیری چند، به سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرای برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت بسیاری نیازمند است که به رؤس با اهمیت تر آنها اشاره و با چند پیشنهاد عملی همراه می‌کنیم.

#### دانشگاهها و مراکز آموزشی

ویرایش و انواع و روشهای آن در مراکز معتبر دانشگاهی جهان به عنوان بخشی از

دانش، فن، هنر و مهارت نشر تدریس می شود. در یکی از شماره های جهان کتاب به تفصیل درباره آموزش نشر سخن گفته ایم (ش ۶۸-۶۷، آبان ۱۳۷۷). اجمالاً این که در بعضی دانشگاهها که نشر را در دوره کارشناسی ارشد تدریس می کنند، سال اول کلیات و مبانی نشر را آموزش می دهند و سال دوم درسها را تخصصی تر ورشته ای می کنند، مثلاً مدیریت و برنامه ریزی نشر، پژوهش در نشر، حسابداری و امور مالی نشر، ویراستاری کتاب، ویراستاری نشریات و نظایر اینها. نکته درخور توجه این که آموزش ویرایش در بستر نشر معنا دارد و در غیر این صورت آموزشی انتزاعی ست. در یکی از مراکز آموزشی غیر دانشگاهی ما چندین واحد ویراستاری آموزش می دهند، اما چون ارتباط میان آن و مبانی نشر آموخته نمی شود، بیشتر اوقات نتیجه مطلوب به بار نمی آید. آموزش دوره های تخصصی تر ویرایش برای ویراستاران مناسب است که دوره های بنیادی را گذرانده باشند یا به مبانی مسلط باشند و بتوانند ویرایش و انواع آن را در جایگاه واقعی خود تعریف کنند.

ما سرانجام ناگزیر خواهیم بود مانند سایر کشورهای جهان این واقعیت را بپذیریم که برای اشتغال به هر حرفه ای در جامعه، گواهینامه گذراندن دوره آموزشی و تخصصی و تاییدیه انجمن صنفی لازم است. اگر کسی حتی در جامعه ما می تواند بدون اطلاع، تخصص و مجوز، پیرایشگری و آرایشگری کند، پس ویرایشگران هم می توانند سر خود به ویرایشگری بپردازند. بی تفاوتی و بی توجهی نهادها و مسئولانی که علی القاعده باید به مسائل فرهنگی و علمی حساسیت بیشتری نشان دهند به این حرفه مهم فرهنگساز و فرهنگ آفرین از چه روست؟ نادانی، ناتوانی، بی اطلاعی از اوضاع جهان، بی اعتنایی به علم و فرهنگ، از چه؟ این قضیه که تعارف بردار نیست؛ کسی که می خواهد ویراستار بشود، یا باید دوره مصوب آموزشی را طی کند، یا در مرکزی، نزد مراجعی آزمونی بگذراند، قابلیت های خود را به اثبات برساند و مجوز فعالیت بگیرد. به هر حال تحول اساسی و جدی در ویرایش با آموزش ویرایش در سطوح مختلف آغاز می شود.

#### انجمن صنفی ویراستاران

کسانی که مانع تشکیل این انجمن شده اند، به هر دلیلی، در ایجاد بلبشوی ویرایش موثر و مقصرند. هر صنفی برای حفظ شوون و حیثیت شغلی خود و یافتن جایگاه مناسب در جامعه بیش از هر نهاد دیگری پاسدار ارزشهای قلمرو خود است. تشکیل انجمن حرفه ای یا هر گونه اتحادیه ای از ویراستاران، می تواند به تدوین اصول و ضوابط، روشن شدن

تعاریف، تعیین حدود، تصویب تعرفه‌ها و نظایر اینها کمک کند. این نهاد، دست کم تا زمانی که ویرایش در ایران از هر حیث قانونمند نشده است، می‌تواند مرجع مهمی باشد که تکلیف جامعه را با ویرایش، ویراستاران و ویراستار نمایان معلوم کند. توافق و همکاری میان اتحادیه ناشران با تشکل ویراستاران به تثبیت روشی کمک خواهد کرد که در قلمرو نشر کشور، یا دست کم در میان ناشرانی که عضو اتحادیه هستند و از توافقیهای جمعی پیروی می‌کنند، قابل اعمال است. یاری رسانیدن نهاد های مسؤول دولتی به حرفه مندانی که می‌خواهند تشکلهای صنفی خود را به وجود بیاورند، جزو وظایف دولتی است. تشکیل صنف ویراستاران از بار مشکلات دولت می‌کاهد و یقیناً بر آن نمی‌افزاید.

### اتحادیه ناشران

ویرایش، بنا به هر تعریف و قراردادی، یکی از بنیادهای اصلی نشر است. صنعت و اقتصاد نشر ناگزیر است بنیادها، ارکان، اجزا و اهمیت و نقش هر کدام را درست بشناسد. اگر ناشران در تشخیص نکات و مسائل مربوط به ویرایش خطا کنند، به سود خود عمل نکرده‌اند. مبنای تصمیم‌گیری آنان درباره ویرایش، ویراستاران، نوع ویرایش، ارزشها، ارزیابیها و داوریهها باید بر نظر تخصصی و تشخیص فنی جمع رسمی ویراستاران مبتنی باشد و گرنه تحمیل یا اعمال سلیقه فردی خود در ویرایش، انتخاب هر کسی به ویراستاری و پیروی از روشهای من‌عندی و پرداخت دستمزدها بر اساس محاسبه‌های فردی، به هر صنف دیگری نیز حق می‌دهد که با خود ناشران به همین سان عمل کند.

اتحادیه ناشران اگر به ایجاد نهادهای آموزشی نشر، و تکوین برنامه‌های آموزشی مباحث نشر، از جمله ویرایش، کمک و در این راه جداً همکاری نکند، از سیر تحولات به سرعت عقب می‌ماند و حتی از حیث اقتصادی لطمه‌های سنگین می‌بیند. در دنیای امروز، همه اتحادیه‌های ناشران با نهادهای آموزشی و پژوهشی مرتبط با نشر در تماس مستقیم هستند و با آنها همکاری نزدیک دارند. در برخی کشورها، اصولاً اتحادیه‌های نشر عامل اصلی ایجاد دوره‌های آموزشی و تاسیس مراکز پژوهشی نشر بوده است. آینده صنعت و اقتصاد نشر را دانش فنی و مهارت امروز می‌سازد. اگر ناشران به این نکته توجه نکنند که اقتصاد و صنعت نشر ناگزیر است همدوش و همپای سایر اقتصادها و صنعتها حرکت کند، بی‌تردید بازارهای مطمئن خود را از دست خواهد داد.

### نهادهای دولتی مسؤول

واحدهایی که مسؤول برنامه‌ریزی آموزشی و گسترش نظامها و برنامه‌های آموزشی

هستند، تاکنون به تاسیس دوره های آموزشی نشر و اهمیتی که این دوره ها در احیا و ترویج یکی از مهمترین صنایع فرهنگی کشور ما دارد، توجه نکرده اند. جامعه ای که در نسل آینده شمار جمعیتش به مرز ۱۰۰ میلیون نزدیک می شود و نشر در این جامعه باید صنعت و اقتصادی کار آمد و سود آور باشد، چگونه ممکن است از اکنون نظام آموزشی و پژوهشی مناسب خود را نداشته باشد. مسؤول آینده نگرها در این زمینه ها کیست؟ مسؤولیت عقب ماندن و اهمال در این حوزه ها را کدام واحد می پذیرد؟ کدام بخش از مدیریت جامعه از خود می پرسد و از دیگران سؤال می کند که صنعت و اقتصاد فرهنگی مهمی چون نشر چرا باید از تواناییهای لازمش محروم شود؟ چرا نباید تقویت کردن طیف صنایع فرهنگی ما در تقدّمها قرار بگیرد؟

واحدهایی که به ناشران مجوز می دهند و سیاست ازدیاد و تکثیر ناشران را دنبال می کنند، به موازات این سیاست، که ممکن است به سود نشر کشور باشد، کدام برنامه ای را برای آموزش ناشران، ترویج علوم و فنون نشر، آموزش و پرورش ویراستاران و سایر عناصر مولد کتاب در پیش گرفته اند؟ به نظر می رسد تشکیل گروهی از صاحب نظران و کارشناسان بخشهای مختلف سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرایی دولت، به منظور ایجاد هماهنگی و تدوین سیاستها و برنامه های بلند مدت هماهنگ در زمینه نشر و با توجه به همه نکاتی که در این خصوص گفته می شود، ضرورت فوری داشته باشد. اتحادیه ناشران بهتر از هر نهاد دیگری می تواند این ضرورت را به مدیران مسؤول بخشهای مختلف یاد آور شود. تحول در روشها و فنون ویرایش، خروج از بلبشوی کنونی و قانونمند شدن آن، به سهم خود در تحول کیفی نشر تأثیر می گذارد. نظام آموزشی و پژوهشی کشور، نهادهای مدافع و دوستدار زبان فارسی هم اگر به تأثیر کتابهای نیک ویراست بر فارسی زبانان، دانشجویان و دانش آموزان درست توجه کنند، باید از پیامدهای تأثیر گذار ویرایش روشمند و مبتنی بر قاعده و قانون در کشور حقیقه استقبال کنند.